

# دادگاه صالح

نویسنده و کارگردان: مصرزاده

(در مکانی عمومی فردی، سه نفر را به صورتی که دستهایشان از پشت بسته است، در کنار هم بر روی دو زانو می‌نشانند.)

بنشین! ... گفتم بشین! (آن سه نفر شروع به شکایت می‌کنند، که چرا او آنها را به اینجا آورده است):

(مجرم ۱) برای چی ما رو اینجا آوردی؟ ... ما باید در دادگاه محاکمه بشیم.

(مجرم ۲) راست می‌گه؟ ... برای چی ما رو اینجا آوردی؟

(محاکمه‌کننده) بشین ساکت باش ... (از مردم یاری می‌طلبد تا به او برای محاکمه آن سه نفر کمک کنند):

خواهش می‌کنم جمع شین! آقا! ... یه لحظه وقتتونو به ما بدین، اصلاً برای خودتون وقت بذارین، من برای محاکمه این سه نفر به کمک شما احتیاج دارم، عواقب جرایمی که این سه نفر انجام دادن مستقیماً به شما بر می‌گرده، ... دقیقاً زمانی که شما با همسر و بچه هاتون در حال تفریح هستن، زمانی که برای گذروندن اوقات فراغتتون به پارکا و خیابونا می‌آین،

امثال این سه نفر برای شما مزاحمت ایجاد می‌کنن. (شروع به معرفی مجرمان می‌کند):

نفر اول، فروشنده‌ی مواد مخدره، توی پارکا، خیابونای شلوغ، حشیش، بنگ و ... می‌فروشه.

نفر دوم، تو معابر و مکانای عمومی با موتور سروصدا، مزاحمت، مانور، تک چرخ زنی می‌کنه و نفر سومم یه سارق یک جیب پُره، کیف قاپ حرفه‌ای.

حالا از شما می خوام برای محاکمه این سه نفر نه به که به خودتون کمک کنین .

( سه مجرم شروع به شکایت کرده و جرمهای مرتکب شده را نفی می کنند . )

(مجرم ۱) : دروغه آقا! مواد مخدر چیه ؟

(مجرم ۲) من کجا تک چرخ زدم ؟

(مجرم ۳) ( رو به آن دو نفر می کند) : شما که خوبه ! مارو دزد کردن ، دزد کیه

آقا جان!؟

(محاکمه کننده) : ساکت باشین ، هر قوت نوبت صحبت کردن شما شد، حرف

بزنین. ( رو به مردم ... ):

خب، از نفر اول شروع می کنیم ؛ این آقا فروشنده مواد مخدره ، درست در

جاهایی که بچه های شما در حال تفریح کردن هستن، فقط کافیه یک بار اونا

برای خرید و مصرف حشیش وسوسه بشن .

شما بگین چه حکمی واسه این مرد صادر کنیم؟ چطور باید مجازات بشه ؟

( مجرم اول از جای خود بلند می شود تا از خود دفاع کند.):

نه آقا ! مواد مخدر چیه ؟ اصلاً ... بنگ، مواد مخدر نیست ( رو به مردم ) جان ما

بنگ مواد مخدره ؟ پس کریستال چیه ، ... بابا! ما موجبات شادی شمارو فراهم می

کنیم ، ما باعث می شیم خنده رو لبای شما نقش ببنده ، مگه کریستال فروختیم ؟

کراک فروختیم ؟ تریاک و شیره فروختیم؟ اینا مواد مخدره ... نه بنگ! ( رو به

محاکمه کننده ... ) : جان ما یه لحظه دستامو باز کن؟ (خواسته اش را رد می کند و

مجرم دوباره تکرار می کند): بابا ! با دست بسته که نمی شه توضیحمو داد .جان ما؟

... ( رو به مردم ): بگین یه لحظه دستامو باز کنه ، می خوام اساسی توضیح بدم ، به خدا فرار نمی کنم ، قول می دم. ( محاکمه کننده دستای او را باز می کند )

( مجرمی که دستانش باز شده سیگاری از مردم طلب کرده ، سپس شروع به خالی کردن آن می کند )

( محاکمه کننده جلوی او را می گیرد و دستهای او را دوباره می بندد و مجرم اعتراض می کند و می گوید):

چی کار داری می کنی ؟ ... ! ... ! ...

دارم توضیح می دم ، مردم حق دارن توجیه بشن ... آقا !

( محاکمه کننده ) : لازم نیست ، تو توجیه شون کنی ! ... بشین ! ... ( رو به مردم ) :

خب ، به نظر شما این مرد چطور باید مجازات بشه ؟ ( از مردم نظر می خواهد )

( محاکمه کننده ) : حالا نفر دوم ! مزاحمت ، سروصدا در زمان استراحت شما ، مانور در پیاده رو و معابر و به تک چرخ زنی و ...

( مجرم ۲ ) : تک چرخ چیه ؟ مزاحمت کدومه ؟ کدوم سروصدا ؟ ... آگوز ما کمی سوراخه ، لامصب صدا می ده ... بعد اصلاً ... ما چی کار کنیم ؟ وقتی خیابونا شلوغه ، ترافیکه ، از کجا بریم ، بابا موتور خریدیم که زودتر برسیم .

( محاکمه کننده ) : از تو پیاده رو ؟ ... این همه آدم چی کار می کنن ؟ ... مگه تو با بقیه فرق می کنی ؟

( مجرم ۲ ) : نه ، ولی شما بگین ما چی کار کنیم ؟ ( رو به مردم ) : فقط من که نیستم ، در بین شماهام مثل من هست ؟ کجا بریم ، ... اصلاً آقا ما دوست داریم تند برسیم .

وقتی موتور صدا می ده ، کیف می کنیم ، ... وقتی دود می کنه ، حال می کنیم. موتور برای همین خریدم دیگه ، جوونیم ... چی کار کنیم ، تفریح ما اینجوری یه ! ... خب کجا بریم ؟ ... جایی هس ؟ که بریم اونجا سواری کنیم ؟ ... عقدمونو خالی کنیم ؟ ... به خدا هر کاری کردیم آخرش به ما گیر دادن ( رو به مردم): چی کنیم ؟ ... تفریح بدون سر و صدا می شه ؟ ...

(محاكمه کننده): درسته ... ولی مردم که نباید به خاطر تفریح تو ، زجر بکشن؛ یکی مریض داره ، یکی اعصابش ضعیفه ، ... بچه هاشون توی خیابون دارن بازی می کنن ، ...

(مجرم ۲): شما راست می گی ؟ ... ولی به خدا اگه جایی باشه که عقدمونو خالی کنیم، دیگه توی خیابون اینکارا رو نمی کنیم ، ... ما هم نمی خوایم ، پلیس هفته ای هفت بار موتور ما رو بیره پارکینگ !

(محاكمه کننده): تفریح حق توئه ... ولی نه به قیمت آزار و اذیت دیگران! مردم چه گناهی کردن که سروصدای شما رو تو زمان تفریح تحمل کنن؟ هر لحظه از این بترسن که مبادا یه موتور با بچه شون تصادف کنه !

(مجرم سوم): فکر می کنم ، حکمش معلوم باشه ... یه سارقه مطمئناً همه شما ، با این جور آدمها لااقل یه بار برخورد کردین، کسایی که به آنی، دستمزد شمارو ، نتیجه یه عمر تلاشتونو ، بی هیچ زحمتی ، صاحب می شن. ( مجرم سوم بلند می شود تا از خود دفاع کند): این چه حرفی یه آقا ! بدون هیچ زحمتی، دیگه کم لطفی یه ، ... دم شما گرم ؛ شما که تا حالا دزدی نکردین؟ کردین ببینین چقد زحمت داره ...

ترس هست ، استرس هست ، بعضی وقتا باید چند کیلومتر فرار کنی ... پلیس هست ، زندان هست ، کتک هست ، فحش و نفرین هست ، اینا کمه ... بعد ما که از شکم سیری این کارو نمی کنیم ، لازم داریم دیگه ...

(محاكمه کننده): شما لازم دارین ، مردم مال خودشونو لازم ندارن؟ فقط تو به پول احتیاج داری ؟ همه سیرن؟ چرا خودت کار نکنی ؟ ... نتیجه زحمت و عرق ریختن دیگرانو صاحب شی ؟

(مجرم ۳): به خدا آقا ! ... مادرمون مریضه ، دو تا خواهر دم بخت دارم ، اونا □□ جهاز می خوان ، خرج قروفر بیرون دارن ، کرایه خونه □□ ، آب ، برق ، گاز ... (محاكمه کننده حرفش را قطع می کند): همه دارن ، همه که صاحب خونه نیستن؟ فقط تو که مریض نداری؟ صحبت سر اینه که چرا راحتترین راه رو انتخاب کردی ؟ شاید اون پولی که می دزدی، خرج دوا دکتر یه نفر دبگه باشه، پول خرید جهیزیه یک دختر بی گناه باشه، خرج خورد و خوراک یه خانواده پر جمعیت وضعیف باشه ، وام باشه ، قسط باشه ، چرا به خودت اجازه می دی اونو به نامردی صاحب شی؟! ... (مجرم سوم): به ما کار نمی دن ، به آدم سابقه دار کی کار می ده ؟ ... بعد ما هر چی می دزدیم خمس شو می دیم.

(مجرم اول از مردم برای بریدن حکم نهایی آسان برای خودش یاری می طلبد.)  
(محاكمه کننده در پایان از مردم که به او کمک کردند، تشکر می کند و سه نفر را از جای خود بلند می کند و با خود می برد)